

پیش‌خواب

به بهانه انتشار اثر تاریخی - پژوهشی «کشف حجاب»

از سوی مرکز اسناد انقلاب اسلامی

پیامدهای تنها سفر خارجی!

■ محمدرضا کائینی

اثر تاریخی- پژوهشی «کشف حجاب» در عداد کتب قطع پالتویی مرکز اسناد انقلاب اسلامی است که برای جوانان شاخ و برگ محکم‌تر و بیشتری در دسترس می‌شود. این اثر به زمینه‌ها و پیامدهای تصمیم رضاخان برای خانه‌نشینی‌نیمی از جامعه ایرانی (!) پرداخته است. هرچه بیشتر ریشه در اعماق تاریخ خویش فرو برد، شاخ و برگ محکم‌تر و بیشتری در آسمان زندگی می‌گسترانند. کمتر ملت و مکتبی همانند ایران اسلامی از اسطوره‌ها و نمادهای زندگی‌ساز بهره‌مند می‌باشد.وظیفه‌فرهنگتخان است که فرهنگ گذشته را به آینده منتقل کند و لازمه این عمل، انتخاب زبانی است که نسل جوان آن را دلپذیر بیابد؛ و ما سادونوسی را برگزیدیم. سادونوسی روشی وحیانی است؛ ماقرآن را با شیوای ساده بیان کردیم. سادگی آیات الهی را در شعر عرب و حتی در کلام پیامبر(ص) نمی‌توان دید. از این رو، قرآن کتاب بیان و روشن لقب یافته‌است و آنچه بر اهمیت آن می‌افزاید، این است که کتاب الهی در عین سادگی، از وزانت علمی بی‌نظیری برخوردار می‌باشد: آئی پیامبر! ما بر تو سخنی وزین نازل می‌کنیم... و همین امتزاج سادگی و سنگینی است که گذشت‌زمان از تاریکی آن نکاسته است. مرکز اسناد انقلاب اسلامی به حکم رسالتی که بر دوش دارد، مصمم است تا با زبانی شیوا،امتیحتوانی مستند، زندگی نقش‌آفرینان و آفریده‌شده‌ها را برای جوانان ترسیم کند. این نوع نگارش که بر پایه مستندات تاریخی و نثر ادبی و در نهایت معطوف به خواننده خاص و جوان است سبکی خاص است که شخصیت‌ها، رویدادها و مفاهیم و اصطلاحات سیاسی و اجتماعی تأثیرگذار در انقلاب اسلامی را به روان‌ترین شکل آن به آیندگان و جوانان معرفی می‌نماید. امیدواریم که مورد قبول جوانان و رضای خداوند بزرگ قرار گیرد.»

فاطمه حیدریان مؤلف این کتاب در بخشی از آن و در توصیف چند و چون سفر رضاخان به ترکیه -که منجر به تصمیم وی برای کشف حجاب شد- می‌نویسد: «مسافرت رضاشاه از بغدادظهر شنبه ۱۲ خرداد ۱۳۱۳، از قصر سلطنتی در تهران آغاز شد و به طرف قزوین، زنجان و تبریز ادامه یافت. به محض نزدیک شدن شاه به مرز ترکیه، چند گلوله توب، به نشانه خوشامدگویی شلیک شد و نظامیان با نواختن مارش ایران و استقلال ترکیه، مراسم احترام را به‌جا آوردند. بخشی از مسیر به وسیله کشتی زره‌پوش و بخشی دیگر با ترن مخصوص طی شد. با رسیدن قطار، واگن مخصوص مهمانان در مقابل رئیس‌جمهور ایستاد و تشریفات، پادشاه ایران در برابر همه ظاهر شد. رئیس‌جمهور، با گفتن تبریک، مراسم رسمی استقبال را آغاز کرد. رئیس‌جمهور ترکیه، همراهان خود را به پادشاه ایران معرفی کرد، آنگاه برای اجرای دیگر مراحل استقبال، به اتفاق از عمارت خارج شدند تا به میدان شهر برسند. در معابر مختلف شهر، طاق نصرت گذاشته شده بود و اداره‌های دولتی، در طول مسیر با بیرق‌های ایران و ترک‌ترین شده بودند. دانش‌آموزان به همراه جمعیت، دو طرف خیابان را احاطه کرده، با کف‌زدن‌های ممتد ابراز احساسات می‌کردند. ایرانیان مقیم ترکیه نیز، با پرچم ایران و کلاه‌پهلوی به استقبال پادشاه خود آمده بودند. رضاشاه پس از عبور از جلوی صف رؤسای اداره‌ها، نظامیان، طبقه محترم شهر و جمعیت مردم، مجدداً سوار اتومبیل شد. از قلعه نظامی شهر، چند گلوله توب شلیک شد و سوت کاخانه‌ها به صدا درآمد. در این مراسم استقبال، سعی شده بود تا تمام امکانات شهر به نمایش درآید. در مدت اقامت، رضاشاه به همراه رئیس‌جمهور به محل اسبدوانی رفت و به افتخار پادشاه ایران، از طرف رئیس‌جمهور ترکیه، مهمانی مفصل و بزرگ ترتیب داده شد. در مهمانی دیگری که از طرف وزیر امور خارجه ترتیب یافته بود همه سفر با خانم‌هایشان حضور داشتند و هنگام اقامت در آنکارا از موزه‌های شهر و مؤسسات مختلف نیز دیدار به عمل آمد.»

■ سمانه صادقی

روزهایی که بر ما گذشت، تداعی‌گر سالروز اعلام تصمیم رضاخان مبنی بر کشف حجاب بانوان بود. مقالی که پیش روی شماست، زمینه‌ها و پیامدهای این رویکرد را مورد خوانش قرار داده است. ■■■

■ بسترهای یک تصمیم

پس از انقلاب صنعتی در اروپا، نظام سرمایه‌داری غرب برای دستیابی به بازارهای بیشتر تصمیم گرفت با تغییر مذهب و فرهنگ کشورهای اسلامی بر آنها تسلط یافته و آنها را به بازاری برای عرضه محصولاتش مبدل سازد. از این روی انگلیس با طوئه‌ای زیرکانه فرد گمنامی را که همان رضاخان میرپنج باشد، طی کودتایی موسوم به سوم اسفند ۱۲۹۹ بر مردم ایران تحمیل کرد و از طریق او توانست اهداف خود را عملی سازد. در واقع باسواد نبودن رضاخان و عدم پایبندی‌اش به شعائر مذهبی سبب انتخاب انگلیسی‌ها شد. آنها به دنبال فردی می‌گشتند که علاوه بر اطاعت‌پذیری، تعلقات مذهبی محکمی نداشته و شیعه‌اثنی‌عشری خالص هم نباشد تا بتوانند او را مطابق خواسته خود تربیت نمایند. این نکته‌ای است که تاج‌الملوک همسر دوم رضاخان هم در خاطراتش به آن اشاره کرده و می‌نویسد: «رضاهل نماز و روزه و این قبیل امور نبود. به‌اصطلاح هر‌سری مذهب بود. اما یک اعتقادات سنتی داشت و... به نظر من خیلی از مردم می‌ترسید. به همین خاطر حرف‌های مربوط به بهشت و جهنم را اوایل ازدواجمان قبول داشت و... حتی قبل از رسیدن به پادشاهی دنبال دسته سینه زدن راه می‌افتاد اما کم‌کم حرف‌های فروغی در او اثر کرد و کار به جایی رسید که به‌کلی منکر بهشت و جهنم شد... حسینیقلی‌خان اسفندپاری شوهر خواهرم هم که پزشک مخصوص رضا بود اعتقادی به حرف‌های مذهبی مهمانان در مقابل‌رئیس‌جمهور امام حسین (ع) هم مخالف بود و می‌گفت در هیچ کجای دنیا مردم برای دشمنان خودشان عزاداری نمی‌کنند... این افراد فکر رضا را در مورد اسلام عوض کردند و رضا مصمم شد دست متعصبین را کوتاه کند... بعد هم که رضا به ترکیه رفت و اوضاع آنجا را دید دستور داد در ایران هم کشف حجاب شود و زن‌ها چادر سیاه سر نکنند.» سر اردشیر ربیور‌تر (مهره اطلاعاتی سطح بالای انگلستان) نیز در وصیتنامه‌اش نوشته‌است: «من شب‌های متصادی را در بیابان‌های آق‌بابا (آق‌بابا یا آقابابا هم‌نام منطقه‌ای در قزوین) سپری و در آنجا با رضاخان میرپنج در باره ایران باستان و لطمانی که اسلام و روحانیت به ایران زدند، صحبت کردم.» درواقع اردشیر ربیور همان شخصی است که رضاخان را به

از ترندهایی که برای موفقیت اجرای طرح منع حجاب زنان به کار گرفته‌شد، جلوگیری از بی‌حجابی زنان معروفه و اجبار آنان به استفاده از چادر بود. در بخشنامه‌ای که در این باره صادر شد، آمده است: «چون این‌طور مقرر گردیده که کلیه زن‌های معروفه و معلوم‌الحال بایستی با چادر بوده باشند، مراتب را به وسایل مقتضی به عموم افسران آن قسمت گوشزد و حالی نمایند که افسران آن تنش‌شاهنشاهی به هیچ‌وجه حق ندارند آنها را بدون حجاب داخل مجامع نسوان و خانواده‌های نجیب نمایند»

عاریخ

کفت و گو ۸۸۴۹۸۴۳۷



گذری بر زمینه‌ها و پیامدهای منع حجاب رضاخانی در آینه روایت و تحلیل

خانه‌نشین کردن نیمی از جامعه!

عنوان گزینه مناسب انتخاب و به ژنرال ایرونیساید

(فرمانده نیروهای انگلیسی شمال ایران) معرفی می‌کند. ناگفته نماند که رضاخان در ابتدا برای جلب حمایت و نظر مردم مسلمان و روحانیت سعی می‌کرد خود را در نظر مردم فردی خبر خواه، معتقد به اسلام و مخالف استعمارگران معرفی کند. حتی به همین منظور دستگاه تبلیغاتی رضاخان در تیرماه ۱۳۰۱ از عتبات عالیات شمشیری (به‌اصطلاح از جانب حضرت ابوالفضل) را برایش ارسال نمود. البته این اقدامات هم مؤثر افتاد و در نهایت رضاخان بر تخت سلطنت نشست.

■ نخستین اقدامات برای بی‌حجابی در ایران

اولین پیشنهاد برای برداشتن حجاب مربوط به دوران سلطنت ناصرالدین شاه می‌شود. میرزاحسن جابری اصفهانی، سیاستمدار و مورخ عصر قاجار در شرح حوادث سال ۱۳۰۶ ق می‌نویسد: «به ناصرالدین شاه پیشنهاد دادند کشف حجاب را در کشور معمول دارد. موضوع با ایتال‌الله خاله ملاعلی کنی، فقیه وارسته و پرنفوذ تهران در آن روزگار، مطرح شد و او به شاه گفت: هرگاه کشف حجاب را در دربار خود جاری ساخته و همسرت را مکشفه و بی‌حجاب بیرون آوردی، در کشور هم همین کار را یکن...» همین مسئله باعث شد طرح بی‌حجابی در دوران ناصرالدین شاه با شکست روبه‌رو شود، اما تا پیش از وضع قانون منع حجاب از سوی رضاخان اقدامات دیگری نیز برای آماده کردن جامعه در همین رابطه انجام شد؛ ازجمله اقدامی بود که برای تضعیف مشروطیت از سوی سعیدالسلطنه صورت گرفت. یحیی دولت‌آبادی در بیان مبارزات بین رژیم استبداد و مشروطه می‌نویسد: «ازجمله اقدامات آنکه حسن‌خان اجلال‌السلطنه اصفهانی که رئیس نظمیه است و با خیالات درباریان همراه نیست او را عزل کرده ریاست نظمیه را به میرزا اول‌الله‌خان سعیدالسلطنه می‌دهد. سعیدالسلطنه که از قدیم با شاه محرم بوده و کمال اطمینان را به او دارد دسته‌ای از زنان بدکار را رشوه می‌دهد که در ماه رمضان یک روز با صورت‌های گشاده و بی‌حجاب در بازار تهران وارد شوند و بگویند آزادی است و ما باید بی‌حجاب باشیم. به خیال اینکه لاید بر سر این کار هیجان عمومی می‌شود و از نتایج سوءمشروطیت محسوب می‌شود.»

■ اجرای دستور اربابان انگلیسی

در ادامه پروسه فراهم ساختن بازارهایی برای عرضه محصولات اروپایی کشف حجاب به صورت رسمی در سه کشور افغانستان، ترکیه و ایران تقریباً هم‌زمان اتفاق افتاد. ابتدا در ترکیه مصطفی کمال‌پاشا (اتاترک) پس از آنکه روی کار آمد علاوه بر تغییر تعطیلات هفتگی از جمعه به یک‌شنبه،



برخی از اعضای کائینی‌بانوان در یک کلاس.

قانون متحدالشکل کردن لباس مقدمه اجرای منع حجاب در کشور بود.

■ تبلیغات برای رواج بی‌حجابی

در جهت زمینه‌سازی برای رواج بی‌حجابی در کشور، در سال ۱۳۰۹ش در اولین کنگره زنان شرقی که در سوریه تشکیل شد، زنانی از ایران نیز شرکت کردند و قرار شد دو سال بعد این کنگره در ایران تشکیل شود. در کنگره‌ای که سال ۱۳۱۱ش در تهران به ریاست «شمس پهلوی» برگزار شد، از بی‌حجابی به عنوان مظہری از تمدن یاد شد و در مورد آن تبلیغات فراوان به عمل آمد. پس از آن برای زمینه‌سازی اعلام رسمی بی‌حجابی از اوایل سال ۱۳۱۳ش روزنامه‌ها و مجلات، اقدام به درج مطالبی همچون «چاپ تصاویر زنان بدون حجاب و نیمه‌برهنه برای تبلیغ جوراب و لباس‌های زیر زنان، در گزارش‌هایی از ورود هنرپیشه‌های زن کشور ترکیه به ایران به همراه عکس و توضیحات، گزارش همراه با عکس رژه دختران بدون حجاب در حضور رضاشاه در ترکیه، چاپ عکس زنان بدون حجاب شرکت‌کننده در هزاره فردوسی در کنار اعضای دولت، چاپ عکس زنان اروپایی و شرح چگونگی رفتار آنان با همسران، تبلیغ شش‌ا در کنار دریا و درج عکس زنان خارجی با لباس شش‌درج مقالات و بحث راجع به آزادی زنان در کشورهای مختلف از جمله مصر و ترکیه، کردند. استفاده از مراکز تعلیم و تربیت و ایجاد مدارس آموزشی به سبک اروپا از دیگر عوامل زمینه‌ساز بی‌حجابی در ایران عصر رضاخان بود. متعاقب حرکت‌های تبلیعی جهت بی‌حجابی، در فروردین ۱۳۱۴ با هدف زمینه‌سازی جهت «اعلام آزادی نسوان» و تحقق بی‌حجابی، «کانون بانوان ایران» تحت نظارت وزارت معارف و به ریاست شمس پهلوی تشکیل شد.

■ تصویب قانون منع حجاب

از اولین حرکت‌هایی که درخصوص رواج بی‌حجابی بانوان در کشور انجام گرفت، صدور همسر رضاخان و عده‌ای از زنان دربار برای رعایت حجاب برای شرکت در مراسم تحویل سال ۱۳۰۷ش، در حرم حضرت معصومه (س) بود که با اعتراض روحانیون و مردم این بانوان از حرم اخراج شدند. اما در این اقدام رضاخان به اتفاق عده‌ای از صاحب‌منصبان نظامی و قشون و زره‌پوش‌های آنها وارد صحن حضرت معصومه شده و با چوب به ضرب و شتم روحانیونی که باعث اخراج زنان درباری از حرم شده بودند، می‌پردازد. پس از این واقعه سفر یک ماهه رضاخان در دوازدهم خرداد ۱۳۱۳ش، انگیزه‌های رضاخان را برای رواج بی‌بندوباری و لائیسزم، شبیه آنچه اتاترک در کشورش ایجاد کرده بود، بیشتر تقویت کرد. «هستشال‌الدوله صادق» سفر کبیر ایران در ترکیه در بیان خاطرات خود برای سناتور صدیق اعلم، نسبت به تحت تأثیر قرار گرفتن رضاخان از مشاهداتش در کشور ترکیه چنین نقل کرده است: «شسی پس از پایان ضیافت رسمی باشکوه وقتی رضاشاه به عمارت حرم خلق که محل اقامت او در آنکارا قرار داشت می‌رفتند، حلالی می‌پیشم که ما خیلی عقب رفته باشیم. حالا می‌بینم که از خیالی محض مخصوصاً در قسمت تربیت دختران به نام «کلاه پهلوی» در کشور معمول و استفاده از آن اجاری شد. تفاوت این کلاه با کلاه سابق این بود که در جلوی آن سایه‌بان نصب می‌شد. ال بی‌ال ساتن، درباره تصویب قانون متحدالشکل شدن لباس، ضمن تعبیر این حرکت به «علاقه‌مندان جنون‌آمیز» می‌نویسد: «در تعقیب علاقه‌مندی جنون آمیز جدید شرقی درباره متحدالشکل شدن لباس‌ها، شاه ایران در سال ۱۹۲۸ م. دستور اجباری شدن لباس متحدالشکل را برای مردان صادر کرد که تاکنون هم به قوت خود باقی است. این جریان که آن را «انقلاب لباس» باید نامید، علاوه بر وزرا، و کلا، رؤسای ادارات و مستخدمین دولت که به‌تدریج لباس متحدالشکل در بر می‌کردند، رفته‌رفته سایر طبقات نیز از لباس‌های مختلف‌الشکل بیرون آمده و کلاه پهلوی که کلاه لبه‌دار بود، سر می‌گذاشتند.» پس از آن از اول فروردین ماه ۱۳۰۷ قانون لباس‌های متحدالشکل در شهرها لازم‌الاجرا اعلام شد. درواقع

تغییر تقویم هجری به میلادی و ممنوع کردن حجاب، الفبای تر کسی را نیز به لاتینن تغییر داد و باعث قطع ارتباط نسل جوان با آثار مکتوب کشور شد. سردارسیه نخستین کسی بود که به محض اعلام جمهوریّت در ترکیه، تغییر حکومت را به اتاترک تبریک گفت و یک جلد کلام‌الله مجید و یک قبضه مشطبر مرغ به عنوان هدیه برای وی فرستاد. سردار سیه که در آن زمان به‌تازگی به نخست‌وزیری منصوب شده بود، آنچنان تحت تأثیر اقدامات اتاترک قرار گرفت که در مقاله‌ای تحت عنوان «مرد توانای ایران» به این شیفتگی رضاخان نسبت به ترکیه اشاره کرد و نوشت: «رضاخان نسبت به کارهای بزرگ و عملیات نظامی همسایه در ترک خود مصطفی کمال بسیار شگفته شده و در تقلید از برنامه سیاسی او نیز تردیدی به خود راه نداده است.» در افغانستان نیز امان‌الله خان در بازگشت از سفر به چند کشور اروپایی دست به اقداماتی چون رف حجاب زنان، ازام پوشیدن لباس اروپایی -برداشتن عمامه و سرنهادن کلاه شاپو- تعطیلی در روز یک‌شنبه به عوض روز جمعه، فرستادن دختران به خارج از کشور به خاطر تحصیل و... زد. در ادامه روند ایجاد تغییرات در پوشش و فرهنگ کشورهای اسلامی، ایران ششم دی ۱۳۰۴ش قانون لباس‌های متحدالشکل را در مجلس شورای ملی به تصویب رساند و طبق آن کلیه اتباع ذ‌کور ایرانی ملزم به پوشیدن کت و شلوار شدند. اجرای این سیاست نیز با زور و شدت همراه بود به طوری که مأموران رضاخان در معابر می‌ایستادند و لباس‌های مردم را با قیچی می‌پریدند. دوم تیرماه ۱۳۰۶ش نیز کلاه جدیدی به نام «کلاه پهلوی» در کشور معمول و استفاده از آن اجاری شد. تفاوت این کلاه با کلاه سابق این بود که در جلوی آن سایه‌بان نصب می‌شد. ال بی‌ال ساتن، درباره تصویب قانون متحدالشکل شدن لباس، ضمن تعبیر این حرکت به «علاقه‌مندان جنون‌آمیز» می‌نویسد: «در تعقیب علاقه‌مندی جنون آمیز جدید شرقی درباره متحدالشکل شدن لباس‌ها، شاه ایران در سال ۱۹۲۸ م. دستور اجباری شدن لباس متحدالشکل را برای مردان صادر کرد که تاکنون هم به قوت خود باقی است. این جریان که آن را «انقلاب لباس» باید نامید، علاوه بر وزرا، و کلا، رؤسای ادارات و مستخدمین دولت که به‌تدریج لباس متحدالشکل در بر می‌کردند، رفته‌رفته سایر طبقات نیز از لباس‌های مختلف‌الشکل بیرون آمده و کلاه پهلوی که کلاه لبه‌دار بود، سر می‌گذاشتند.» پس از آن از اول فروردین ماه ۱۳۰۷ قانون لباس‌های متحدالشکل در شهرها لازم‌الاجرا اعلام شد. درواقع

۱۳۱۴ش. به محمود جم رئیس‌الوزاری خود می‌گوید: «نزودیک دو سال است که این موضوع -کشف حجاب- سخت فکر مرا به خود مشغول داشته است، خصوصاً از وقتی که به ترکیه رفتم و زن‌های آنها را دیدم که «پیچه» و «حجاب» را دور انداخته و دوش به‌دوش مردهایشان در کارهای مملکت به آنها کمک می‌کنند، دیگر از هر چه زن چادری است بدم آمده است. اصلاً چادر و چاقچور حکم ترقی و پیشرفت مردم است. درست سخن یک دمل را پیدا کرده که باید با احتیاط به آن نیشتر زد و از بیشش برد» . به دنبال اجرای دستورات اربابان انگلیسی، بیست‌وهفتم آذرماه بخشنامه منع حجاب جهت تصویب رضاخان از طرف رئیس‌الوزرا به دربار فرستاده و از اول دی‌ماه ۱۳۱۴ش دستور العمل اجرای غیر رسمی قانون منع حجاب به تمام ولایات ایران ارسال می‌شود. نهایتاً هم رضاخان مقدمه دی‌ماه در جشن فارغ‌التحصیلی دانشسرای مقدماتی دختران در تهران، اجرای قانون منع حجاب را اعلام می‌کند. در این مراسم، علاوه بر همسر و دختران رضاخان، بانوان دیگر مسئولان کشوری دعوت شده به این جشن نیز طبق یک برنامه از پیش طراحی شده، بی‌حجاب شرکت می‌کنند و رضاخان در سخنرانی آن روز خود می‌گوید: «باید خیاط‌ها و کلاه‌دوزها را تشویق کرد که مدهای قشنگ به بازار بیاورند. ما میله‌های زندان را شکستیم. حالا خود زندانی آزاد شده وظیفه دارد که برای خودش به جای قفس، خانه قشنگی بسازد.»

حضور بانوان دربار و اجبار رضاخان در منع حجاب بانوان در حالی انجام گرفت که اتاترک

با آنکه حجاب را در ترکیه دقغن کرده بود

برخلاف رضاخان به تعقیب وحشیانه زنان با حجاب دست نزد و خانواده‌اش را هم مجبور به بی‌حجابی نمود. به طوری که لطیفه خانم همسر اتاترک در تمام مجامع با حجاب ظاهر می‌شد و بی‌حجابی در ترکیه بیشتر در آنکارا و استانبول که بخشی از ساکنانش غیرمسلمان و اروپایی بودند، اجرائی شد.

■ بخشنامه‌های بی‌رواج بی‌حجابی

چهار روز پس از واقعه ۱۷ دی‌ماه ۱۳۱۴ش، سرلشکر نخجوان که کفالت وزارت جنگ را به عهده داشت، در بخشنامه‌ای از اداره شهرانی خواست از ورود خانم‌های باحجاب به اماکن تفریحی همچون سینماها و تئاترها و کافه‌ها و رستوران‌ها و غیره جلوگیری کند. در بخشنامه دیگری نیز از فرماندهان واحدهای ارتش خواسته شد برای تشویق و پیشرفت رفع حجاب، مجالس مهمانی برای افسران ترتیب دهند تا آنان در معیت بانوانشان بدون حجاب در آن مجالس شرکت نمایند. البته این دستورالعمل، کار را برای افراد با ایمان سخت‌تر کرد. به عنوان مثال غلام‌رضا (امیر) فضلی یکی از افسران ارتش رضاخان که مأمور ساختمان اصطلح برای اصلاح نژاد اسب در خرم‌آباد بود، پس از آنکه عرصه را این‌گونه تنگ یافت، در نامه‌ای به مادر خود چنین نوشت: «خانم والده عزیزم را قربان می‌روم. پس از تقدیم عرض ارادت... راجع به وضعیت تهران برای بنده مرقوم فرمایید. راجع به بی‌حجابی اگر امر خیلی سخت شد، علاقه‌مند می‌باشم قدری تریاک شما و خواهرهای عزیزم میل نمایند که دیگر این قسمت را بنینم. البته پس از مطالعه این کاغذ را فوراً آتش بزنید» . این نامه در سانسور پستی شهربانی رضاخان، کشف شد و مفاد آن به اطلاع رضاخان رسید. رضاخان نیز در حکمی نوشت: «به لشکر ۶ نوشته شود این نوع افسران خشک و احق چه فایده دارند و چه نوع می‌شود به آنها اطمینان داشت. باید تصایح و تذکرات لازم به او بدهند تا اگر فایده نبخشید اخراج گردد». از ترندهایی که برای موفقیت اجرای طرح منع حجاب زنان ایران به کار گرفته شد، جلوگیری از بی‌حجابی زنان معروفه و اجبار آنان به استفاده از چادر بود. در بخشنامه‌ای که در این باره صادر شد، آمده است: «چون این کشور و حالی نمایند که کلیه زن‌های معروفه و معلوم‌الحال بایستی با چادر بوده باشند، علی هذا مفتضی است دقغن فرمایید مراتب را به وسایل مقتضی به عموم افسران آن قسمت دستور و حلالی نمایند که لباس‌ان ارتش شاهنشاهی به هیچ‌وجه حق ندارند با این قبیل زن‌های معروفه در مجامع و معابر عمومی رفت‌وآمد نموده یا آنها را بدون حجاب داخل مجامع عمومی و خانواده‌های نجیب نمایند.»

■ پیامدهای منع حجاب

مهدیقلی‌خان هدایت(مخبرالسلطنه) که شش سال و نیم‌نخست‌وزیر رضاخان بود در کتاب صدیق اعلم، نسبت به «ظطرات» می‌نویسد: «به‌شاه عرض کردم، تمدنی که آوازهاش عالمگیر است، دو تمدن است؛ تمدنی که مفیداست و قابل تقلید، تمدن ناشی از لابراتوارها و کتابخانه‌هاست. یکی هم خواهم بودلوارها. گمان کردم به این عرض من توجهی فرموده‌اند، آثاری که بیشتر ظاهر شد تمدن بولوارها بود که به کار لاله‌زار می‌خورد و مردم بی‌بندوبار خواستار بودند.» در واقع اقدامات رضاخان نه برای پیشرفت کشور بلکه برای هم‌رنگ شدن با جهان بود. نکته‌ای که خودش هم در توجیه استفاده از کلافرنگی به مخبرالسلطنه اشاره کرده و می‌گوید: «آخر من می‌خواهم هم‌رنگ شوم که ما را سخره نکنند». هدایت در ادامه خاطراتش با تأسّف می‌نویسد: «کلاه اجنبی ملیت را از بین برد و برداشتن چادر عفت را.»

قانون منع حجاب که قرار بود سبب آزادی و حضور زنان در جامعه شود بدتر باعث عزلت و خانه‌نشینی طولانی مدت زنان جامعه ایران آن روز شد. به‌طوری‌که دیگر زنان حتی برای درمان بیماری‌های هم حاضر به خروج از خانه‌هایشان نبودند. چه کودکانی که گم شدند و مادرانشان از ترس نتوانستند آنها را بیابند. چون این بانوان در تناقض میان «حفظ عفت و حفظ جان و فرزند»، حفظ عفت را انتخاب می‌کردند. وضع قانون منع حجاب با آنکه به حفظ جان و فرزند، حفظ عفت را انتخاب می‌کردند. نکته جالب آنکه با وجود تمام محدودیت‌ها و خشونت‌ی که مأموران رضاخان در اجرای قانون منع حجاب به کار بردند، باز هم نتوانستند کاری از پیش ببرند. با تشویق که وزیر کشور شانزدهم بهمن ۱۳۲۰ش در گزارشی محرمانه اعلام می‌کند: «با وجودی که متجاوز از شش سال است که رفع حجاب در تمام کشور اجرا می‌شود ولی طبق گزارش‌های رسیده از شهرستان‌ها، غالباً در کوچه و بازار زن‌ها با چادر نماز و گاهی با چادر سیاه دیده می‌شوند.»